

است و شامل مقاومت نظامی، دیپلماسی، سیاسی و حتی رسانه‌ای است، لذا کسی حق ندارد درباره خلع سلاح صحبت کند. اگر تا به امروز نیروهای اشغالگر در فلسطین وجود دارد پس سلاح جزء لاینفک مقاومت فلسطینی هاست. سلاح حق ماست، دفاع از خودمان حق ماست، مقاومت حق اصلی ماست.»

▼ این بیابنه نشانه چر خشى نسبت به مواضع گذشته است



صادق ملکی، تحلیلگر سیاست خارجی درباره ریشه تفاوت موضع ایران با دیگر کشورهای عربی و اسلامی منطقه درباره موضوع فلسطین گفت: «در موضوع غزه و فلسطین، نگاه صفر و صدی و تاکید بر نابودی اسرائیل که بر خاسته از ایدئولوژی غیرقابل انعطاف ایران است، عامل اختلاف ایران با کشورهای اسلامی و عربی بوده و هست. عرب‌ها به رهبری مصر چندین دهه است که با کمپ دیوید اسرائیل را به عنوان یک واقعیت پذیرفته و با آن کنار آمده و در آینده نزدیک نیز با پیوستن به پیمان ابراهیم عملاً دیگر جنگ و چالش با تل‌آویو از صحنه سیاسی - نظامی آنان خارج خواهد شد.» او ادامه داد: «اما ایران فلسطینی‌تر از فلسطینی‌ها ظاهر می‌شود. منابع کشور برای موضوعی که ابتدا عربی بود و سپس اسلامی شد، هزینه‌شد اما امروز این سیاست، کبان ایران را با خطر مواجه کرده است. تغییر و بازتعریف ویکرد و راهبردها در سیاست خارجی با نگاه ایجابی مبتنی بر عقلانیت منافع‌محور می‌تواند راه نجات و عبور از چالش‌های پیش‌رورا هموار کند.» این دیپلمات بازنشسته درباره ادبیات موضع‌گیری وزارت امور خارجه راجع به اقدام حماس اظهار داشت: «موضع اخیر ایران در مورد طرح ترامپ مبتنی بر اینکه تصمیم‌گیری در صلاحیت مردم فلسطین است، چرخشی از مواضع گذشته بوده و این بدین معنا است که ایران نه جلودار مسئله فلسطین بلکه پشت‌سر و همراه آنان حرکت خواهد کرد. توجه داشته باشید که هیچ کشوری منافع یک جنبش یا یک کشور را بر منافع خود ترجیح نمی‌دهد و ایران نیز باید در انتخاب نهایی منافع خویش را از جیحت دهد.» ملکی تأکید کرد: «سال‌هاست بر این موضوع تأکید دارم که در روزهای حساس و انتخاب نهایی گروه‌ها و جریان‌ات مورد حمایت ایران، از تهران کمک دریافت می‌نمایند اما فرمان و اطاعت نخواهند کرد. این موضوع خصوصاً در شرایط بحرانی چون امروز خود را نشان داده و پس از این بیشتر نشان خواهد داد. عراق و لبنان و... تبور این تحول هستند. سیاست دنبال کردن رویای دست‌نیافتنی نیست بلکه عمل به آنچه دست‌یافتنی است می‌باشد. عملیات ۱۷ اکتبر نه‌تنها سرمایه‌گذاری‌های ایران را در منطقه از بین برد، بلکه ایران را در معرض جدی‌ترین خطر تاریخ معاصر خود قرار داده است.» و یادآور شد: «نه‌تنها باید راه خطا را اصلاح کرد بلکه باید به راهکارهای رهایی از خطر اندیشید و بدان تن داد. بیابنه وزارت خارجه نشان از این رویکرد ایجابی دارد که باید از آن حمایت کرد.»

▼ سیاست خارجی ایران گره‌گشا نبود



مهدی ذاکریان، استاد حقوق بین‌الملل در گفت‌وگو با هم‌میهن با اشاره به بیابنه اخیر وزارت امور خارجه در قبال تحولات فلسطین تأکید کرد: «از زمان آغاز فعالیت سیاست خارجی دولت آقای پرنشکین سیاست خارجی فعال و گره‌گشا نبوده، بلکه بیشتر یک سیاست خارجی انفعال در مقابل تصمیمات سایر کشورها بوده است. این بار نیز، طرحی از سوی ترامپ ارائه شد که پیش از نهایی شدن آن، تمام کشورهای منطقه از فعالیت‌ها و تلاش‌های ترامپ استقبال کردند. کشورهایی که دوستان و متحدان ما محسوب می‌شوند هم استقبال کردند. در رأس آن قطر و در کنار آن امارات، عربستان، ترکیه و پاکستان و... از طرح ترامپ حمایت کردند و در مجمع عمومی نیز شاهد بودیم که همگی از جمله آقای اردوغان، امیر قطر و سایرین به دیدار آقای ترامپ رفتند. وزارت خارجه باید متوجه این موضوع می‌شدند که یک واکنش مثبت و همکاری جوانانه‌ای در این خصوص در منطقه وجود دارد. پس باید برای پیشبرد یک طرح صلح در

منطقه دست به ابتکار و فعالیت می‌زد، تا هم منافع ایران تأمین شود و هم شرط‌هایی که گذاشته لحاظ شود. ایران از موضع‌گیری خود چیزی به دست نیاورده است. چه کسی از شروط ایران حمایت کرد؟ کشورهای منطقه از ترامپ حمایت کردند و از سوی دیگر حماس نیز شرایط آمریکا را پذیرفت. در نتیجه، اقدام ایران نه‌تنها گره‌ای از مسائل باز نکرده بلکه موجب افزایش انزوا شده است.» او در پاسخ به این سوال که تفاوت موضع ایران و کشورهای عربی چه نتیجه‌ای برای فلسطینی‌ها و ایران دارد؟ گفت: «مواضع ایران کمکی به مردم فلسطین نکرده است. نه سبب توقف جنگ شده، نه موجب جلوگیری از نسل‌کشی شده، نه آزادی گروگان‌ها را تسهیل کرده و نه فشارهای بین‌المللی علیه ایران را در زمینه هسته‌ای، منطقه‌ای، موشکی و اتهام ترور کاهش داده است. ایران در مرکز یک موضوع قرار گرفته، اما به جای بهره‌برداری از این موقعیت، تأثیر مثبتی بر منافع ملی خود نگذاشته است.» این استاد حقوق بین‌الملل افزود: «ممکن است ایران بگوید این طرح نمی‌تواند حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین را در آینده تأمین کند، اما آیا توانسته اقدام مؤثری برای توقف نسل‌کشی اسرائیل انجام دهد؟ توانسته آتش‌بس برقرار کند؟ اما ترامپ توانست این کار را انجام دهد و کشورهای شریک او از جمله اسرائیل، مصر، امارات، ترکیه و حتی پاکستان از طرح استقبال کردند. وقتی در نظام بین‌الملل طرحی مطرح شده و اکثریت کشورها از آن حمایت می‌کنند، ایران مسیر عکس را انتخاب کرده است. این یعنی ایران با بی‌توجهی به تحولات جهان به طرف فلسطینی خود کمکی نکرده است.» ذاکریان در پاسخ به این پرسش که حالت مطلوب برای ایران در چنین شرایطی چیست؟ گفت: «سیاست خارجی بخشی از دولت است و دولت در ایران نمی‌تواند تولید ثروت، تأمین معیشت مردم، جلوگیری از تحریم و برقراری گفت‌وگو با جهان کند. به همین ترتیب، در سطح منطقه و نظام بین‌الملل نیز توانایی ایجاد اعتماد، روابط حسنه دوجانبه و چندجانبه جهت رفع تحریم‌ها را نداشته است.» این استاد حقوق بین‌الملل تأکید کرد: «در مقطعی از جمهوری اسلامی، با وجود ضعف حکمرانی، کارگزارانی وجود داشتند که می‌توانستند تا اندازه‌ای مانع برخی خطاها شده و آن را متوقف می‌کرد. اما امروز هم دولت ناتوان است و هم کارگزار و در نتیجه کشور در وضعیت بن‌بست گرفتار شده است. واکنش‌هایی که ایران در این شرایط نشان می‌دهد، بیشتر در باتلاق انبوه مشکلات باقی مانده و فرو می‌رود. حال که سایه جنگ بالای سر ایران است تا چه اندازه می‌تواند ایران را از جنگ دور کند؟ ترامپ در سخنرانی خود علناً گفته که اگر ایران فعالیت هسته‌ای خود را از سر بگیرد، به ایران حمله می‌کنیم. این هشدار بسیار جدی است. یعنی آمریکایی‌ها اعلام می‌کنند که دیگر به ایران اجازه تنفس نخواهند داد. یکی از دلایل اصلی چنین واکنشی، به مواضع سیاست خارجی ایران و عدم حضور سازنده در مسائل منطقه‌ای بازمی‌گردد.»

این استاد حقوق بین‌الملل با اشاره به نحوه موضع‌گیری کشورهای مختلف در قبال طرح اخیر صلح گفت: «عمولاً واکنش منطقی کشورها این است که اعلام می‌کنند ما از هر طرح صلحی استقبال می‌کنیم و معتقدیم ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهایی که چنین طرحی را تهیه کرده‌اند، در تلاش هستند تا نسل‌کشی را پایان دهند و به بازگشت گروگان‌ها کمک کنند اما در کنار این تلاش‌های ارزنده، نباید حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین به فراموشی سپرده شود و ریشه‌های مبارزه‌ای که در منطقه توسط گروه‌های مقاومت شکل گرفته، از یاد برود.» او تأکید کرد: «ادبیات دیپلماتیک در چنین شرایطی باید بر پایه‌ای باشد که دست‌کم یک یا تعدادی از کشورها با شما همراهی و همکاری کنند اما متأسفانه ادبیات کنونی وزارت امور خارجه حتی از نظر حرفه‌ای و فنی نیز قابل دفاع نیست.» ذاکریان افزود: «ایران می‌توانست به‌جایانه همین طرح صلح، یا به‌واسطه چنین طرحی، منافع ملی خود را تأمین کند و از آن به‌منوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود در موضوعات مختلف از جمله مسائل هسته‌ای، منطقه‌ای و موشکی بهره‌برد اما مانند همیشه واقع‌گرایی تحت‌الشعاع آرمان‌گرایی قرار گرفت.»

در ابتدای سال ۱۴۰۱ آمار سرقت ما ۱۹ درصد افزایش داشت، اما با اقدامات صورت گرفته مانند راندازی قرارگاه سرقت، استفاده از پایندهای الکترونیکی، برخورد با سارقان خشن و راه‌اندازی آزمایشگاه علمی در پلیس آگاهی، امروز شاهد کاهش ۱۷ درصدی آمار سرقت و افزایش ۵۶ درصدی کشفیات در ۶ ماهه هستیم و در مجموع از سال ۱۴۰۱ تا امروز ۴۱ درصد کاهش آمار سرقت و چیزی بالغ بر ۴۲ درصد افزایش در کشفیات را شاهد هستیم.» سردار رادان در بخش دیگری از صحبت‌های خود به ساخت خانه‌های سازمانی اشاره کرد و گفت: «متأسفانه همکاران من در فراجانست به دیگر ارگان‌ها در مضیقه قرار دارند ولی با تمام کاستی‌ها ۵۲ هزار واحد سازمانی در مرحله ۲۰ تا ۹۰ درصد ساخت قرار دارند و به امید خدا ۲ تا ۳ هزار واحد در آینده نزدیک افتتاح خواهد شد.» او از ساخت ۱۵۰۰ واحد ظرف ۱۸۰ روز خبر داد و تأکید کرد: «هوشمندترین اقدامات در این خانه‌ها از تصفیه آب تا بهره‌مندی از انرژی خورشیدی و برق هوشمند پیش‌بینی شده است و بسیاری از پیمانکاران خارجی تقاضای همکاری با ما را دارند.»

این مشکلاتی که سردار رادان به آن اشاره کرده، باعث لغزش تعداد اندکی از نیروهای فراجا شده است. اما همیشه این لغزش از سوی فرماندهان و نظامیان تکذیب شده تا به اقتدار نیروی نظامی آسیبی وارد نشود. با این تفاسیر مشخص است که پلیس جامعه‌محور با شرایط کنونی و دغدغه‌های ایدئولوژیک و مشکلات معیشتی نیروی نظامی فاصله بسیاری دارد. ضمن آنکه تا چند سال پیش آمار رضایتمندی مردم از پلیس به صورت رسمی اعلام می‌شد اما امسال نیروی نظامی چند سالی است که هیچ آمار رسمی اعلام نمی‌کند و فرماندهان عالی‌رتبه‌روش جدیدتری برای اعلام آمار در پیش گرفته‌اند که آن هم آمادگی مناسبتی است. در آماري که سردار مهدی معصوم‌بیگی، رئیس بازرسی کل فراجا اعلام کرد در سال ۱۴۰۲ تقریباً ۲۸ درصد از مردم از عملکرد پلیس رضایت نداشتند، او در این مورد تأکید کرد: «بر اساس آمار و پیام‌های مردمی ثبت شده در سامانه ۱۹۷ مرکز نظارت همگانی بازرسی کل، شاهد افزایش ۷۲ درصدی رضایتمندی مردم از عملکرد پلیس در اربعین حسینی نسبت به سال گذشته بودیم.» سردار قاسم رضایی، جانشین فرمانده کل انتظامی کشور نیز ۱۶ اردیبهشت امسال و پیش از جنگ ۱۲ روزه اعلام کرد: «بنض کار پلیس با بازخوردگیری از مردم می‌تبد و فراجا از جمله سازمان‌های نظامی است که بالاترین میزان رضایتمندی را در بین مردم دارد.»

مجلس با حذف چهار صفر از پول ملی موافقت کرد.

الان با حذف این چهار تاصفر باقیمونده راحت می‌کنم!



عکس نوشت

به راه بادیه رفتن

درباره عکسی از کاروان صمود

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

معلم پرورشی مدرسه یکی‌مان را به باد کتک گرفته بود. از آن طرف دوسه تا از تله‌کلاسی‌ها چهار چرخ ماشین آقامعلم را پاره کردند. فردای آن‌روز همان که صف‌بچه‌ها از حیاط‌به کلاس می‌رفت ناظم‌ومدیر و معلم قبل از ما به کلاس رفته‌بودند. انگار کن‌که‌باخودشان قول وقرار کرده بودند گریه‌را دم حمله‌بکشند

و دمار از روزگار چهل بچه کچل‌قد و نیم‌قد در بیاورند. از همان لحظه اول تهدید به پرورنده زیر بغل، اخراج از کلاس، باز کردن چهارراه وسط‌کله و... روی سرمان آوار شد. امروز مدرسه‌ها را نبینید. آن روزها مدرسه‌ها دست‌کمی از گشتاپو نداشت. کافی بود معلم اخم کند، نفس کلاس بند بیاید. این تازه معلم کلاس بود و می‌شد جلوش چهار کلام حرف زد. مدیر ناظم در ردیف برونکا بودند و ما چوبین‌های سرتق. موقعیت آن‌روز کلاس چیزی شبیه دادگاه‌های صحرایی بود و ما چهل بچه سرباز شوروی بودیم که سر به زیر انداخته و به کارهای بدمان فکر می‌کردیم. آن روز اولیای مدرسه به هر طناب پوسیده‌ای که تصور کنید توسل جستند. خودشان را کشتند بلکه یکی از آن چهل بچه، خرابکار را لو بدهد. گوشمان را کشیدند. لای انگشتان‌مان خودکار گذاشتند. با خط‌کش آهنی کف دست‌هایمان را قرمز کردند. با چک افسری لب‌هایمان را گل انداختند. صدا از دیوار درآمد از بچه‌ها نه. حالا که به یاد آن روز می‌افتم که اگر آقای فرشادیان معلم ورزش‌مان ریش‌را گرو نمی‌گذاشت حکما ظهر یکی دو جنازه روی دست‌مدیر می‌ماند. به این فکر می‌کنم که گاهی وقت‌ها مفاهیم خودشان یا به زندگی آدمیزاد می‌گذارند. آن بچه‌ها حتماً آن‌روز معنی حمیت گروهی را نمی‌دانستند. نمی‌دانستند احساس غیرت، دفاع از هویت جمعی و ایستادگی در برابر تحقیر یا ظلم حتماً مهم است. ما چهل تا بچه بودیم که دلمان بر ظلمی که بر سر رفیق‌مان آوار شده بود می‌سوخت. ما چهل تا بچه زبان‌نغهمی به سواد بودیم که می‌توانستیم حمیت گروهی را به شکل عملی در دانشگاه‌ها تدریس کنیم. از روزی که کاروان صمود تصمیم به حرکت به سوی غزه گرفت یاد آن کلاس عزیز در ذهنم روشن شد. به عکس‌های کشتی‌ها نگاه می‌کردم و اسم یکی از هم‌کلاسی‌هایم را رویشان می‌گذاشتم. آنها حتماً می‌دانستند که سه‌احل غزه نمی‌رسند. می‌دانستند که جهان کثافت‌تر از آن است چشمش را باز کندو حقیقت را ببیند. فرق آنها اما با باقی جماعت خاموش این بود که زیر لب خواندند به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل. فرق آنها با باقی آزادگان عالم این بود که فارغ از ملیت و مذهب با احساسی پاک و مشترک به وظیفه انسانی و اخلاقی‌شان در برابر رنج مردم غزه ساکت ننشستند. واقعیت این است که جهان در همه ابعادش چنین بچه‌هایی می‌خواهد؛ بچه‌هایی که حاضرند شکنجه‌شوند، سختی بکشند، تحقیر ببینند اما نسبت به ظلمی که بر جماعتی می‌رود ساکت‌ننشینند.

